

بررسی انسجام واژگانی در داستان کوتاه سنگر و قمقمه‌های خالی نوشته بهرام

صادقی بر پایه نظریه هلیدی و حسن

دکتر سیدمحتشم محمدی*

فاطمه اختردانش**

چکیده

موضوع انسجام متن از دیر باز مورد توجه بسیاری از محققان و پژوهشگران آثار ادبی است. هر کدام به فراخور مهارت و علاقه خود به بررسی آثار، چه از گذشته و چه از دوران معاصر پرداخته‌اند. همه آنها درصد زیادی از مطالعات خود را بر اساس رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا مایکل هلیدی و رقیه حسن (۱۹۸۵) پیش برده‌اند. برخی یک اثر را با تمام عناصر انسجامی بررسی کرده‌اند و عده ای تنها به یک مقوله از آن پرداخته‌اند. در این پژوهش که بر پایه بررسی بیش از ۱۵ مقاله که همگی از نظریه هلیدی و حسن در انسجام متن بهره برده‌اند، سعی بر آن شده تا داستان کوتاه سنگر و قمقمه‌های خالی که یک اثر پست مدرنیستی است را مورد تحلیل و واکاوی قرار دهیم. ابتدا تمام واژگانی که در شمار اجزاء انسجام واژگانی قرار می‌گیرد، شناسایی و نوشته می‌شود سپس بر اساس آمار بدست آمده از هر کدام درصد می‌گیریم و در نهایت مشخص می‌شود این داستان چند درصد انسجام دارد و کدام عنصر بیشتر به کار رفته است. آنچه که در این پژوهش بدست آمد این بود که در این داستان حرف ربط بیشترین بسامد را داشته است و علت این اتفاق بیشتر به دلیل سبک نویسنده و نوع نگارش داستان است. تکرار حرف ربط بیشترین نقش را در

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون- ایران Mohtasham@kazerunsfu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون- ایران

fatemehakhtardanesh98@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱



منسجم کردن متن داستان دارد زیرا پراکندگی موجود در بین جمله‌ها تنها با حرف ربط گرد هم جمع می‌شوند و داستان را شکل می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: انسجام، انجسام واژگانی، داستان سنگر و مقممه‌های خالی، مطالعه و پژوهش.

مقدمه

زبان‌شناسان جدید در مسیر مطالعات اولیه خود تنها بر توصیف واحدهای زبانی کمتر از جمله تکیه داشته‌اند و توجهی به مطالعه و تحلیل رشته‌های فراتر از جمله نشان نداده‌اند. چنانکه در نقد این رویکردهای تحقیقی «دوبوگراند و درس‌لر (۱۹۸۱، ۲۱) معتقدند که تجزیه و تحلیل براساس دستور سنتی در سطح جمله متوقف است و به واحدهای فراتر از جمله نمی‌پردازد» (آفاگل زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۳). به تدریج با توسعه تحقیقات زبان‌شناختی و طرح نظریه‌های جدید، روش گشتاری نوام چامسکی به مفهوم بین جمله‌ها تبدیل شد و نیاز و ضرورت اولیه مطالعه بر درون سازمان متن متمرکز گردید تا متن به عنوان واحد زبانی کلان‌تر از جمله مورد تحقیق زبان‌شناسان قرار گرفت (همان: ۱۳۰-۱۰۴). در نتیجه منجر به کشف روابط معنایی بین عناصری از زبان گردید که این روابط از کارکرد عناصر انسجام در متن به وجود می‌آید.

به ساخت زبانی فراتر از جمله که ممکن است یک یا چند بند را در خود داشته باشد، متن می‌گویند و در تولید آن قواعد و روابطی حاکم است که با رعایت آنها وحدت و یکپارچگی متن به وجود می‌آید. در یک تقسیم‌بندی، زبان‌شناسانی از قبیل «دوبوگراند و درس‌لر (۱۹۸۱، ۳۱)» متن را نوعی نمودار ارتباطی می‌دانند.

ابتدا لازم است برای پرداختن به بررسی انسجام در یک متن به یک سؤال پاسخ داده شود تا از پاسخ آن به درک مطلب برسیم: چه چیزی یک متن گفتاری یا نوشتاری را از مجموعه بی‌ربط جملات متفاوت جدا می‌سازد؟ (خلیل پرویزی و همکار، ۱۳۰: ۱۳۹۴)

هر متن ادبی از به هم پیوستن مجموعه‌ای از جملات به وجود می‌آید (دکتر فاطمه معین‌الدینی، ۱۳۸۲: ۳۰۳) بین جملات متن روابط معینی برقرار است که آن متن را از مجموعه جملاتی که به طور



تصادفی در کنار هم قرار می‌گیرند، جدا می‌سازد. مجموعه این روابط آفریننده متن را انسجام می‌گویند. انسجام ضامن رابطه میان جمله‌های متن است (یان میک به نقل از کمائی فردوجابری، ۱۳۹۱: ۳۲) و نبود آنها روانی متن را از بین می‌برد و باعث نفهمیدن متن می‌شود. از نظر هالیدی و حسن: «ارتباط معنایی، لفظی، نحوی یا منطقی جمله‌های یک متن انسجام نامیده می‌شود. اینان معتقدند که انسجام به کلیه روابطی اطلاق می‌شود که عنصری از یک مجموعه را با عنصری از جمله‌های قبل مرتبط کند.» (سید علی اصغر سلطانی، ۱۳۹۶: ۱۵۶-۱۶۱) «یعنی یک عنصر، عنصری دیگر را پیش فرض خود قرار دهد و بدون مراجعه به آن فهمیده نشود» (لطفی پور ساعدی به نقل از معین‌الدینی، ۱۳۸۲: ۳۰۵).

زبان‌شناسی در تحلیل گفتمان برای متن هفت ویژگی اساسی بر می‌شمرد. ۱- انسجام ۲- پیوستگی معنایی ۳- قابلیت پذیرش ۴- قصدمندی ۵- ویژگی اطلاعاتی ۶- ویژگی موقعیتی ۷- ویژگی متنی (آقا گل زاده و افخمی به نقل از امیری خراسانی و علی نژاد، ۱۳۹۴: ۸) از میان هفت ویژگی متن، انسجام و پیوستگی معنایی متن محور هستند. ممکن است درجه انسجام یک متن کم و زیاد شود «اما هیچ متنی بدون انسجام وجود نخواهد داشت. (گوت وینسکی به نقل از امیر قیصرپور، ۱۳۹۱) ولی «گفتار زمانی متن می‌شود که هم انسجام و هم پیوستگی معنایی داشته باشد (لطفی پور ساعدی به نقل از یاوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۹)» از نظر هالیدی و حسن انسجام بر سه دسته اند: دستوری، واژگانی، پیوندی.

معرفی شاعر

ابتدا در مورد نویسنده و نوع اثر مطالبی جهت افزودن به آگاهی خواننده گان آورده می‌شود تا با شخصیت نویسنده و شکل داستان آشنایی پیدا کنند:

بهرام صادقی از نویسندگان اصفهان‌نویست که در ۱۸ دی ماه ۱۳۱۵ در نجف آباد اصفهان متولد و در سن ۴۷ سالگی در گذشت. پدرش حسینعلی و مادرش جهان سلطان نام داشت. فرزند چهارم خانواده و آخرین آنها بود. از خیلی زود علاقه اش را به شعر و شاعری نمایان کرد و شعرهایش را برای انتشار به مجلات ادبی و فرهنگی آن زمان سپرد. هرچند شعرهای او به سبک و سیاق نیمایی بودند اما با شعر کلاسیک هم آشنایی کامل داشت. بعد از اتمام دوران ابتدایی برای ادامه تحصیل به



دیرستان ادب اصفهان رفت. علاقه ذاتی به شعر و دوستی با محمد حقوقی سبب شد تا حضور در دنیای شعر و ادبیات برایش جدی تر شود. برای انتشار شعرهایش در مجلات ادبی آن دوره اسم «صهبا مقداری» را انتخاب کرده بود؛ همان ترکیب نام و نام خانوادگی خودش بود که بهم ریخته شده بود. او با انتشار داستان کوتاه «فرار در راه است» اولین حضور خود را به عنوان داستان نویسی جوان تجربه کرد. این داستان در سال ۱۳۳۵ در مجله سخن منتشر شد. به اصفهان او در علاوه بر نویسندگی در دانش طب و پزشکی تحصیلات خود را به پایان رسانده بود (آل طیب: ۱۳۹۶). بهرام صادقی به همراه صادق هدایت و هوشنگ گلشیری، فرم و تکنیکهای جدید را که در ادبیات داستانی غرب مورد استفاده بود، بومی سازی کرده و از آن خود کردند. صادقی ابتدا رئالیستی می نویسد و با توضیح دقیق جزئیات موقعیت انسان‌ها را در داستانهایش شکل می‌دهد. اما به یکبارگی به گفته غلامحسین ساعدی و حسین عابدینی با برخی از داستانهای مجموعه سنگر و قمقمه‌های خالی از این فضا فاصله می‌گیرد و تصویری دقیق از تناقض شخصیت‌ها را به نمایش می‌گذارد. او به ناگاه به پرداختن به نوعی از پوچی را در کارهایش مورد توجه قرار داد.

بهرام صادقی از نخستین نویسندگان ایرانی بود که از مولفه‌های پست مدرن در داستانهایش استفاده کرد. او در فرم غالب معرفت شناسه آثار مدرنیستی چرخشی ایجاد کرد و به فرم وجود شناسه ای رسید. نکته دیگر او از فرم داستانهای پلیسی است که در اکثر نویسندگان جنگ اصفهان دیده می‌شود. پرداختن به راوی غیر اعتماد و دخالت نویسنده در داستان از مهم‌ترین مولفه‌های داستان‌های نویسندگان پست مدرن است مثل ریچارد برایتگان. بهره‌گیری از افسانه‌های کهن یکی دیگر از مولفه‌هایی است که بهرام صادقی و گلشیری با داستانهایی مثل هفت گیسوی خونین را وارد ادبیات داستانی کردند (گلشیری: ۱۳۹۱).

زبان بهرام صادقی در بیشتر داستان‌هایش زبانی گزارشی و روایی است. اضافه بر آن به‌طور مشخص زبان روایی و فرم توصیف‌ها در کار صادقی از چخوف تأثیر بسیار پذیرفته است و این بسیار پیش از آن است که چخوف در ایران به‌عنوان داستان‌نویس جدی گرفته شود. تأثیر چخوف بر صادقی نه فقط در زبان و لحن، که در شکل خاص طنزی که به کار می‌گیرد هم مشهود است؛ طنزی که بیشتر از آن که بر گفت‌وگو مبتنی باشد، بر توصیف‌های او بنا شده است. صادقی نیز



مانند چخوف تمایل زیادی به توصیف افکار درونی و نادیدنی پرسوناژهایش داشت و درحقیقت بار عمده طنز داستان‌هایش را بر دوش همین افکار گذاشته بود.

راوی داستان «سنگر و قمقمه‌های خالی» بعد از آن که مستقیماً خوانندگان را به گوش دادن درست و حسابی شرح درست و حسابی بیدار شدن آقای کمبوجیه دعوت می‌کند، می‌گوید: «مدتی سقف اتاق را نگاه کرد و مدتی هم گذشت تا فهمید این کار نتیجه‌ای ندارد. بعد رویش را به طرف پنجره گرداند و آفتاب را که شاعرانه لبخند می‌زد دید، اما حتی خودش هم نفهمید که چرا از خنده آفتاب دلگیر شده. بنابر این سرش را زیر لحاف برد و گفت: «حالا که این‌طور است فکر می‌کنیم».

صادقی با توصیف بی‌رحمانه و بدون روتوش افکار و عقاید مبتذل، خنده‌دار یا جنایت‌کارانه شخصیت‌هایش موقعیت‌هایی طنزآمیز می‌سازد. طنزی که عموماً نه از سر آسودگی خیال، که به عکس از سر احساس نزدیکی و مشابهت دردناک مخاطب با همان پرسوناژها به وجود می‌آید. واقعیت این است که با وجود آن که صادقی هرگز ادعای نقد رادیکال اجتماعی نداشت، یکی از نخستین کسانی بود که تاثیرگذارترین طبقه اجتماعی در تحولات پیش روی جامعه ایران را تشخیص داد و نقد آن را آغاز کرد؛ خسرو گل‌سرخ‌ی درباره او گفته بود: «نوشته‌های بهرام صادقی کارنامه دو دهه از تاریخ زندگی اجتماعی ماست.» بهرام صادقی است که روایت‌گر داستان دوشیزه سکینه داستان «سنگر و قمقمه‌های خالی» می‌شود که بیشتر وقتش را به خواندن مجلات زنان می‌گذراند: «عکس خود را فرستادم و مقاله نوشته‌ام که به تمام ملل دنیا بفهمانم که در سایه تحولات روزافزون ما بانوان ایرانی هم از چادر و چاقچوره‌های قدیمی به در آمده و برای خود کانون و روزنامه و بنگاه و تشکیلات و مطبوعات درست کرده و دست به دست سایر فنومن‌های اجتماعی از قبیل مردان و کودکان و جوانان و نیروهای صنعتی و انتظامی داده خودمان و ارا به تاریخ را به جلو سوق می‌دهیم» اما تمام ذهنش در اشغال آرزوی ازدواج است و سرانجام در قسمت سوم داستان قصه کودک یکساله که به دلیل سن کم و نداشتن تجربه زندگی حرفی برای گفتن نمی‌ماند تنها واکنش مردم، آقای کمبوجیه و سکینه خانم در مورد نیمه دیگر اوست که فوت شده است و همگی نشان دهنده افکار و اظهار نظرهای آنان است و هر کدام براهی رفته است.



صادقی نخستین نویسنده‌ای بود که به خود اجازه داد بر خلاف سنت نقد سیاسی طبقات دیگر اساساً همان طبقه‌ای را نشانه رود که خود جزئی از پیکره آن بود و برای آن می‌نوشت. او با به هجو کشیدن آرمان‌ها و اندیشه‌های طبقه‌ای که مخاطب اصلی داستان‌هایش بود، بدنامی فاصله گرفتن از توده مردم را به جان خرید، اما توانست نمونه‌هایی استثنایی از داستان کوتاه ایرانی پدید آورد (قربانپور: ۱۳۹۵).

مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته

مطالعات پیشین

با بررسی‌هایی که در زمینه انسجام انجام گرفت، پژوهش‌هایی انجام گرفته است و هر کدام به نوبه خود بستر تحقیقات جدید را براساس نظریه‌های زبانشناختی در تحلیل متون فراهم ساخته‌اند؛ اما تاکنون مقاله‌ای با عنوان «بررسی انسجام واژگانی در داستان کوتاه سنگر و قمقمه‌های خالی نوشته بهرام صادقی» نگارش نیافته است. گزارشی از کارهای انجام شده در این زمینه به ترتیب از ۱۳۸۲ تاکنون:

شگردهای ایجاد انسجام متن در کلیله و دمنه، دکتر فاطمه معین‌الدینی، نشریه فرهنگ ویژه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۴۶ پاییز ۱۳۸۲: در مقاله مذکور عناصر انسجام متن را در سه دسته دستوری، لغوی و منطقی در متن کلیله و دمنه بررسی کرده‌اند. بیشتر هدف بررسی روشهای ایجاد انسجام متن در داستان‌های کهن فارسی بوده است.

بررسی عناصر ایجاد انسجام متن در کشف‌المحجوب هجویری، ناهید دهقانی، نشریه آینه میراث خردادماه ۱۳۸۸: در این مقاله نویسنده عناصر انسجام متن را در کتاب کشف‌المحجوب هجویری شناسایی، طبقه‌بندی و ارائه کرده است.

نقش عوامل ربط زمانی در انسجام متن، دکتر غلامحسین زاده و دکتر حامد نوروزی، فصلنامه کاوش نامه، سال دهم، شماره ۱۹، ۱۳۸۸: در این پژوهش نویسنده از بین عوامل ربط که باعث انسجام متن می‌شود، عامل ربط زمانی و انواع آن را انتخاب و بر اساس نظریه هالیدی و حسن بررسی می‌نماید.



تحلیل انسجام و پیوستگی در غزلی از حافظ با رویکرد زبان شناسی نقش گرا، دکتر تقی پورنامداریان و دکتر طاهره ایشانی، نشریه زبان و ادبیات فارسی، سال ۱۸، شماره ۶۷، ۱۳۸۹: نویسنده‌گان این اثر بر اساس نظریه هلیدی و حسن در زبان شناسی نقش گرا به تحلیل انسجام و پیوستگی غزلی از حافظ پرداخته‌اند.

انسجام متن تعاریف در کتابهای درسی دانشگاهی، مقاله پژوهشی، سعید کمائی فرد، مریم جابری زمستان ۱۳۹۱، ص ۲۵-۴۵؛ این مقاله ابتدا به توصیف «تعریف» و ساختار و شخصیت‌های آن می‌پردازد و سپس هفت عامل ایجاد متن و هفت عامل ایجاد انسجام را در ۷۰ نمونه از تعاریف کتابهای درسی دانشگاهی بررسی می‌کند.

ابزارهای انسجام واژگانی در کتاب تنگسیر نوشته صادق چوبک بر پایه نظریه هلیدی و حسن، امیر قیصری، سال ۱۳۹۱: در این مقاله که برگرفته شده از یک پایان نامه دانشگاهی است. به بررسی انسجام واژگانی کتاب تنگسیر از صادق هدایت می‌پردازد. روش تحلیلی ساختاری این مقاله بر اساس نظریه هلیدی و حسن است.

نقش عوامل ربط غیر زمانی در انسجام متن، دکتر غلامعلی فلاح، فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۰، شماره ۷۳، پاییز ۱۳۹۱: نگارندگان در این مقاله در مورد حرف ربط که از نظر هلیدی یکی از عوامل مهم ارتباط و پیوند مبانی جمله هاست پرداخته‌اند و از بین آنها فقط عوامل ربط غیر زمانی از جمله رابطه افزایشی، رابطه تقابلی و رابطه علی را بررسی می‌نمایند.

بررسی ویژگی‌های سبکی و شخصیتی سیمین دانشور با رویکرد زبان شناسی نقش گرا، دکتر طاهره ایشانی، زبان شناخت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۳: در این مقاله ضمن بررسی افعال موجود در ۶ داستان منتخب از داستانهای کوتاه سیمین دانشور با رویکرد زبان‌شناسی نظامند نقش گرا و با روش تحلیلی و آماری؛ بسامد و درصد انواع فرایندها به عنوان شاخص سبکی نشان داده شده و همچنین با تکیه بر این بسامدها طرز تفکر و نگرش این نویسنده مشخص شده است.

تحلیل مقایسه‌ای عوامل انسجام در دو غزل حافظ و سعدی و تاثیر آن بر انسجام متن، دکتر طاهره ایشانی، فصلنامه زبان پژوهی دانشگاه الزهراء، سال ششم، شماره ۱۰، بهار ۱۳۹۳: در این دو پژوهش



بر اساس نظریه هالیدی و حسن درصد انسجام عوامل بوجود آورنده انسجام را در دو غزل، یکی از سعدی و دیگری از حافظ، با وزن، قافیه و موضوع یکسان بررسی شده است. تا براساس این دو رویکرد تفاوت آنها نشان داده شود.

بررسی عناصر انسجام متن در نفثه المصدور بر اساس نظریه هالیدی و حسن، دکتر احمد امیری خراسانی و حلیمه غنی نژاد، متن پژوهی ادبی، شماره ۶۳، بهار ۱۳۹۴: در این گفتار، عناصر و شگردهای ایجاد انسجام متن از کتاب نفثه المصدور بر اساس نظریه هالیدی و حسن بررسی شده است. نویسنده انسجام متن را در سه دسته دستوری، واژگانی و پیوندی بر روی متن مورد نظر مورد تحلیل و پژوهش قرار داده است.

بررسی و تحلیل سبک شناسی فعل در غزل‌های تعلیمی سعدی با رویکرد زبان شناسی نقش گرا، دکتر طاهره ایشانی و نرگس نظیف، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال هفتم، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۴: در این مقاله نویسنده به بررسی سبکی افعال به کار رفته شده در غزل‌های تعلیمی سعدی با رویکرد زبان‌شناسی نقش گرا پرداخته است. در این پژوهش، علاوه بر بررسی سبکی و ارتباط ذهن و زبان، اشاره ای به برجسته‌ترین اندیشه‌های تعلیمی و برخی ابعاد شخصی سعدی شده است.

زبان‌شناسی متن و انطباق الگوی انسجام با زبان عربی در دیدگاه صاحب نظران معاصر عرب، دکتر خلیل پروینی و دکتر علیرضا نظری، دو ماهنامه جستارهای زبانی، شماره ۲۵، دیماه ۱۳۹۴: در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی آرا و ایده‌های صاحب نظران معاصر عرب در مورد زبان شناسی متن و انطباق انسجام با زبان عربی را بررسی می‌کنند.

مقایسه کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده، طاهره ایشانی، بهار ۱۳۹۴: در این مقاله سعی بر آن شده انسجام متنی را در سوره اعلی و ترجمه آن بررسی نمایند. البته (از گفته نویسندگان مقاله) این پژوهش برای آن بوجود آمده است که با وجود اثبات نظم در قرآن و سوره‌های آن، الگویی مشخص و دقیق برای سنجش در قرآن نبوده است. در نتیجه ایشان در پی کاری دقیق‌تر و قابل ادراک و تفهیم بیشتر برآمده‌اند.

بررسی عناصر انسجام متن در داستان حضرت موسی با رویکرد زبان‌شناسی نقش گرا، دکتر مهدی مسبوق و شهرام دلشاد، فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی، سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵: در



این مقاله داستان حضرت موسی که از آیه ۴۳ تا ۴۳ سوره قصص است را از نظر انسجام متنی بررسی کرده است تا از رهگذر این پژوهش بتوان انسجام و پیوند میان اجزای یک داستان که زنجیره وار به هم مرتبط هستند را مشاهده کرد تا مسیری باشد برای شناخت بیشتر اعجاز قرآن. تحلیل انتقادی گفتمان حکومت در باب اول بوستان سعدی، دکتر زهرا حیاتی و دکتر طاهره ایشانی، نشریه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۹۵: این پژوهش در تحلیل باب اول کتاب گلستان سعدی است. نویسنده مقاله خود را بر اساس مبانی روش شناسی نورمن کلاف که تحلیل خود را بر پایه دستور نقش گرای هالیدی در سه بعد متن، گفتمان و جامعه است، انجام داده است.

انسجام واژگانی در داستان سورئالیستی بوف کور بر پایه نظر هلیدی و حسن. محمود عباسی، عبدالعلی اویسی کهن، فاطمه ثواب، پاییز ۱۳۹۵، ص ۲۸۳-۳۰۸: در این اثر پژوهشگران داستان سورئالیستی بوف کور نوشته صادق هدایت را بر اساس انسجام واژگانی بررسی می کنند. هدف نویسنده از این مقاله اثبات وجود انسجام واژگانی در داستانهایی است که در اثر هجوم واژگان ناشی از نگارش خود کار به وجود می آید و از زبان معیار دور هستند و به ظاهر از انسجام واژگانی بهره ای نبرده اند.

انسجام واژگانی و دستوری با رویکرد واژه های مکرر در دیوان منوچهری، فاطمه یاوری، عباسعلی وفایی، ملک محمد فرخزاد، رحیم طاهر، بهار و تابستان ۱۳۹۷: در این مطالعه و پژوهش با بهره گیری از نظریه تکامل یافته انسجام هلیدی و حسن در زبان شناسی نقش گرا، به تحلیل انسجام و پیوستگی در ابیاتی که با رویکرد به واژه های مکرر در دیوان منوچهری بود، پرداخته شده است تا روشن شود ابیات این دیوان ارتباط معنایی زنجیره های انسجامی را چگونه محقق می سازند. واکاوی عوامل انسجام متنی در شعر عقاب خانلری بر بنیاد نظریه مایکل هلیدی و رقیه حسن، حمیدخانیان، بهار ۱۳۹۷: در این بررسی شعر روایی عقاب مورد تحلیل قرار گرفته است. این تحلیل بر اساس نظریه مایکل هلیدی و حسن است. بعد از تجزیه و واکاوی عناصر انسجام متنی در این مقاله مشخص می شود که عامل دستوری نقش پرننگ تری در انسجام متن این شعر داشته است.



در این تحقیق و پژوهش‌ها، عده‌ای به بررسی کل انسجام متن بر روی آثار پرداخته‌اند و عده‌ای عناصر ربط و دو نفر در مورد انسجام واژگانی بحث کرده‌اند ولی از آنچه مطالعه شد این نتیجه حاصل گردید که هیچ کدام انسجام واژگانی را بر روی آثار پست مدرنیستی مورد تحلیل و بررسی قرار نداده است. بر اساس آنچه که از خلال این پژوهش دریافت شد به این نکته رسیدیم که حروف ربط بیشترین بسامد را در آثار پست مدرنیستی به خود اختصاص داده است و این هم بخاطر نوع نگارش و سبک و شخصیت نویسنده است.

روش پژوهش

- الف: خواندن متن و بررسی اجمالی آن برای مشخص کردن نوع انسجام و تحلیل آن
 ب: ارائه کردن عناصر انسجام واژگانی بر روی متن داستان
 ج: ترسیم جدول و وارد کردن اسم عناصر و آمار بدست آمده از تحلیل و بررسی صورت گرفته
 د: محاسبه انسجام متن بر اساس نتیجه حاصل از پژوهش

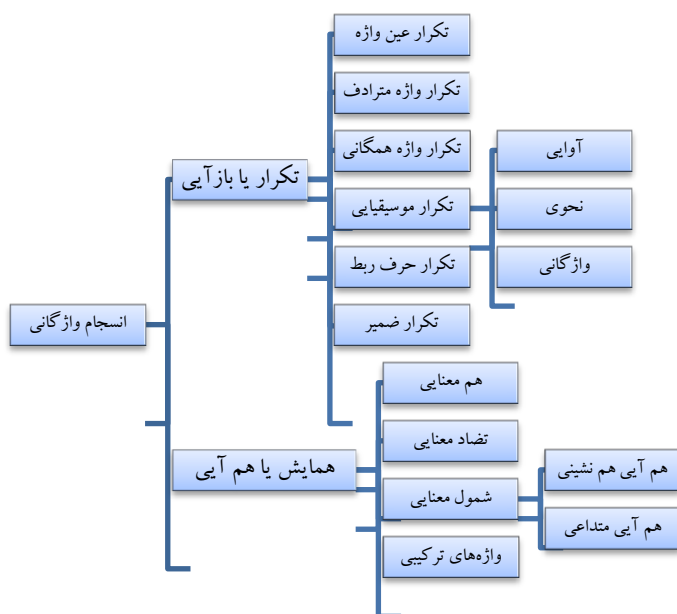
بحث

انسجام واژگانی

واژه، زبان گویای نویسنده است. معنا از طریق واژه منتقل می‌شود. از آنجا که هر واژه به تنهایی نمی‌تواند مفهوم را منتقل کند، در نتیجه با سایر واژه‌های دیگر باید در ارتباط باشد. «واژه‌ها در انزوا دارای معنا نیستند. به طور کلی معنای یک واژه، به صورت ساده یا به صورت مرکب با معنای واژه‌های دیگر زبان در ارتباط است (ترسک به نقل از محمود عباسی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۹۱) هر چه این ارتباط قوی‌تر و واژگان پرمعناتر، مفهوم و معنا بیشتر منتقل می‌شود. این ارتباط را انسجام واژگانی می‌نامند.

«انسجام واژگانی در نتیجه حضور واژه‌های مشابه و مرتبط به وجود می‌آید و مبتنی بر رابطه‌ای است که واحدهای یک متن به لحاظ معنایشان با یکدیگر دارند. متن به واسطه این ارتباط، تداوم و انسجام می‌یابد. (هالیدی و حسن به نقل از پروینی و نظری، ۱۳۹۴: ۱۳۰) بر اساس جمع‌آوری اطلاعات از بیش از ۱۵ مقاله که همه انسجام متن را در ابعاد مختلف و بر اساس نظریه مشهور زبانشناسی نقش

گرا هلیدی و حسن انجام داده‌اند، انسجام واژگانی بر دو پایه که هر کدام چند بخش دارد، استوار است.



تکرار

بدیهی‌ترین نوع انسجام تکرار است (هالیدی به نقل از فاطمه یآوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۱). عنصر تکرار مهم‌ترین ابزار جهت جلب توجه خواننده به سوی کلمات است (محمود عباسی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۹۱) و گاهی تکرار برای تاکید بر انجام کار است (دلشاد و مسبوق، ۱۳۹۵: ۱۲۲). یکی از راه‌های انسجام متن تکرار یک مفهوم داخل متن است (اردشیر جمشیدی، سایت ادبیات). «روشی که در بدیع لفظی، موسیقی کلام را به وجود می‌آورد و یا افزون می‌کند، تکرار است. تکرار واک، هجا، واژه، عبارت یا جمله و مصراع» (شمیسا به نقل از فاطمه یآوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۱)

«در یک متن واژه‌های بسیاری وجود دارد که بیش از یکبار تکرار شده‌اند. اما آنچه سبب انسجام متن می‌شود، تکرار واژه‌های مهم آن متن است. بسیاری از واژه‌های دستوری همان حروف ربط و



اضافه ممکن است در متن موثر باشند، اما در نقش مورد نظر برای واژه تاکید نمی‌شود. بلکه فقط واژه‌هایی که به واژه‌های متانی معروفند در متن دارای نقش انسجامی هستند. (سالکی به نقل از ایشانی، ۱۳۹۳: ۱۸)

تکرار عین واژه

تکرار واژه ای در دو یا چند بند و عبارت و جمله که از نظر آوایی و معنی تفاوتی با هم نداشته باشند (ایشانی و تقی پورنامداریان، ۱۳۸۹: ۳۵). تکرار واژه به طور مشخص آن قسمت از جمله‌های پیشین را بیان می‌کند که در جمله بعدی مورد توجه است (کمائی فرد و جابری، ۱۳۹۱: ۳۴). این واژه در جای جای جمله‌ها می‌تواند باشد ولی بهتر آن است که زیاد از هم فاصله نداشته باشند. در این تکرار در متن واژه عینا تکرار می‌شود و بین آنها قاعدتا از نظر نوشتاری نیز نباید تفاوتی وجود داشته باشد، مگر اینکه یکدستی رسم الخط از نظر نوع یا پیوستگی حروف در متن رعایت نشده باشد (کوروش طارمی و رحمانی، ۷۰۲)

مثال: باز مثل همیشه... اما نه، ممکن است پیش خودتان بگویید: «چرا باز مثل همیشه؟ چرا باز مثل همیشه می‌خواهند با گفتن چند چیز کلی جزئیات گفتنی را ناگفته بگذارند؟ برای اینکه چنین نگوئید من هم سعی خواهم کرد که بیدار شدن آقای کمبوجیه را درست و حسابی برایتان شرح بدهم. حالا شما هم درست و حسابی گوش کنید.

تکرار واژه مترادف

هریک از واژه‌های مترادف به گونه ای واژه دیگری را تداعی می‌کند. این نوع تکرار بیشتر از عین واژه در جمله وجود دارد و عامل اصلی در اتصال جمله‌ها و بندهای کلام است (امیری خراسانی و علی نژاد، ۱۳۹۴: ۲۰) و مانع از گسیختگی متن می‌شود. (معین الدینی، ۱۳۸۳: ۳۱۳)

مثال: بله البته، بعضی ستاره‌ها ثابتند یعنی از سر جحای خودشان تکان نمی‌خورند و بعضی ستاره‌ها سیارند یعنی از سر جایشان تکان می‌خورند..... و همانطور که روبانهایش را در دست داشت به طرف مادرش رفت. مادرش خدایبامر ز (به مناسبت اینکه اخیرا ممکن است مرحوم شده باشد).



تکرار واژه همگانی

در این نوع تکرار واژه ای که در یک جمله آمده است در جمله‌های بعد از آن به شکل حوزه ای همگانی تکرار می‌شود. منظور از واژه همگانی است که به جای انواع اسم‌ها می‌نشیند. (ناهید دهقانی، ۱۳۸۸: ۱۰۵)

مثال: اکنون وقت آن است هر کس به گناهِش اعتراف کند، چه آن که آقای کمبوجیه را مرده می‌پنداشت و چه آن که فکر می‌کرد خوابیده است.
مثال: نیاز فکر کردم برای زندگی کردن و اتفاقاً اینجا هم یکی از جمله جاهائی است که هر چیز را می‌توان وارونه کرد بی آنکه در وضع تغییری بدهد. مثلاً حق داریم بگوئیم: چیزی که در زیر لحاف...

تکرار موسیقایی

تکرار موسیقایی با جلوه‌های مختلف ایجاد موسیقی یکی دیگر از عوامل انسجام متن است. (معین الدینی، ۱۳۸۳: ۳۱۴) آوردن سجع و جملات و واژه‌های متوازن و متوازی، آوردن جناس در پایان جمله‌ها، متن جنبه موسیقایی پیدا می‌کند. البته این نوع تکرار بیشتر در مناجات‌نامه‌ها و یا متنی‌هایی که بیشتر جنبه ادبیت کلام مورد توجه است، دیده می‌شود. در داستان‌هایی که به صورت روایی یا مستند و... نوشته می‌شود جایگاه خاصی ندارد مگر زمانی که در خلال متن داستان، بیت شعر یا سخن موزونی آورده شود. تکرار موسیقایی در سه سطح انجام می‌گیرد. آوایی، نحوی، واژگانی (ناهید دهقانی، ۱۳۸۸: ۱۰۵)

سطح آوایی

یکی از مهم‌ترین ابزارهای ایجاد توازن در موسیقی و در کلام، تکرار واحدهای همسان با تناسب و نظم خاص در محور هم نشینی است. البته ارزش این نوع تکرار در هنری بودن آن است. واج آوایی، تکرار صامت‌ها در یک جمله، از جمله تکرار موسیقی است. هرچه نثر موزون‌تر و به شعر نزدیکتر باشد توازن هجایی همیشه در آن دیده می‌شود. (ناهید دهقانی، ۱۳۸۸: ۱۰۷)



سطح واژگانی

تکرار یک واژه، یک گروه اسمی یا فعلی یا مجموعه‌ای از واژگان درون یک جمله است. این توازن را به دو دستخ تقسیم می‌کنند. تکرار آوایی کامل که در آن واژه تکرار می‌شود= ردیف و تکرار آوایی ناقص که در آن واج تکرار می‌شود= قافیه یا سجع (ناهد دهقانی، ۱۳۸۸: ۱۰۸)

سطح نحوی

این نوع سطح موسیقایی از تکرار ساختهای نحوی پدید می‌آید. بیشتر موارد این گونه توازن با توازن آوایی یا واژگانی همراه است. این نوع توازن در نثر می‌تواند موجب تقویت ارتباط و انسجام متن شود اما ارزش هنری در شعر به مراتب از نثر بیشتر است. (ناهد دهقانی، ۱۳۸۸: ۱۱۰)

مثال:

اری ای دختران زیبا روی تا کی آخر غمین ز حسرت شوی
یا بزرگی و عز و نعمت و جاه یا چو مردانت مرگ رویاروی

تکرار ضمیر

گاهی ضمیر به جای اسم در متن می‌آید.
مثال: پسر بچه که هنوز چهارده سالش تمام نشده بود لباسی پوشیده بود که او را زیاتر از همیشه نشان می‌داد..... آقای کمبوجیه وقتی به او رسید ایستاد و دستش را زیر چانه او گذاشت.

تکرار حرف ربط

مثال: متاسفانه وقتی لبخند زد که در خانه بزرگی را که کنار رودخانه بنا شده بود زدند و آقای کمبوجیه مجبور شد به او اجازه بدهد که برود در را باز کند.



همایش یا با هم آیی

عبارت است از با هم آمدن یا ارتباط بین کلماتی که به یک حوزه معنایی تعلق دارند. (اردشیر جمشیدی، سایت ادبیات) «در معنی شناسی به روابط مفهومی در سطح واژه‌ها اشاره دارد و در بدیع معنوی با هم آیی مراعات النظیر است. مراعات النظیر وقتی است که برخی از واژه‌های کلام اجزایی از یک کل باشند و از این جهت بین آنها ارتباط باشد (شمیسا به نقل از فاطمه باوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۲) «ارتباط مفهوم ی و معنایی واژه‌ها باعث انسجام متن می‌گردد (امیر خراسانی و علی نژاد، ۱۳۹۴: ۲۰). با هم آیی شامل چهار مورد است:

هم معنایی

آوردن کلماتی که هم معنی هستند. این گونه کاربرد واژگان بیشتر برای جلوگیری از تکرار واژه در متن است (محمود عباسی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۹۲). «استعمال کلمات هم معنا در نوشته‌های ادبی و زبان محاوره فراوان است. گاهی اوقات غرض از استعمال کلمات هم معنا گریز از تکرار برای ایجاد تنوع است ولی گاهی برای آن است که معنا را روشن‌تر، محکم‌تر و موثرتر نماید. (باطنی به نقل از ایشانی، ۱۳۹۳: ۱۹)»

مثال: مدتی سقف اتاق را نگاه کرد و مدتی هم گذشت تا فهمید این کار نتیجه ندارد. بعد رویش را به طرف پنجره برگرداند و آفتاب را که شاعرانه لبخند می‌زد دید..... نیم خیز شد و سرش را از زیر لحاف بیرون آور و نزدیک بود خودش را از تختخواب به زمین بیندازد، اما فکر با چنان سرعت و قوتی بر سرش کوفت که لحظه ای بعد، در سنگر نرم و راحتش، آرام و بی حرکت دراز کشیده بود و همه جایش را لحاف می‌پوشاند.

تضاد معنایی

زبان الزاما محتاج کلمات هم معنا نیست. گاهی متن به واسطه تقابل واژگان انسجام می‌گیرد. تضاد معنایی یکی از ویژگی‌های نظام مند و بسار طبیعی زبان است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۹۲). در این گونه رابطه واژه‌ها با واحدهای واژگانی معناهای متضاد با هم دارند (ایشانی، ۱۳۹۴: ۱۲۹). در تقابل واژگانی، واژه‌ها بصورت منفی در برابر مثبت است. (فاطمه باوری و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۷۲)



مثال: زنگ ساعت بود یا بلای آسمانی یا موهبت الهی، هر چه بود چرت آقای کمبوجیه را چنان پاره کرد که به سرعت بلند شد.

مثال: در یک روز فرح انگیز بهاری، کلاغ‌ها عشقبازی می‌کردند و ماهی‌ها از هم جدا می‌شدند و آقای کمبوجیه با چشم‌های باز باد کرده فکر می‌کرد.

شمول معنایی

شامل دو جزء می‌باشد:

با هم آبی متداعی

واژه‌هایی که متعلق به یک حوزه هستند مثل اسم شهرها

باهم آبی هم نشینی

عبارت است از اینکه چند واژه در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرند و با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. بر اساس نظر هالیدی و حسن مثل رابطه ریشه، تنه و شاخ و درخت است که درخت و ریشه جزئی از یک درخت هستند. (هالیدی به نقل از محمود عباسی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۹۴)

مثال: ساعت شماطه دار همچنان زنگ می‌زد و آقای کمبوجیه به یاد آورد که تکمه زنگ را آزاد گذاشته است.

واژه‌های ترکیبی

شامل واژه‌هایی است که در زبان فارسی در یک حوزه معنایی خاص با هم ترکیب می‌شوند به گونه‌ای که گاهی نبود یکی از این واژه‌ها باعث بی‌معنایی متنی می‌شود. (محمود عباسی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۹۴)

مثال: چند روز پیش در دفتر خاطراتش نوشته بود: من برای مطالعه کردن ساخته نشده‌ام. بنا کرد آن را ورق زدن. جسته گریخته از هر صفحه چیزی می‌خواند.

مثال: ما بانوان ایرانی هم از چادر و چاقچوره‌های قدیمی به در آمده و برای خود روزنامه و کانون و بنگاه و.....



جدول شماره یک: عناصر انسجام واژگانی در داستان کوتا سنگر و قمقمه‌های خالی	
<p>آقای کمبوجیه (۳۲). کمبوجیه (۹). بازم مثل همیشه (۳) گنجشک‌ها (۲). ماهی‌ها (۵). مهرداداره قند و شکر (۶). دخترها (۲). پسرها (۲). خواب (۲). مدتی (۲). آفتاب (۲). ستاره‌ها (۳). ثابت (۳). سیار (۳). صفحات مربوط به ازدواج و فوت چیزی نوشته نشده است (۳). فکر (۲۵) خدا (۷). طبیعت (۲). زیر لحاف (۷). لحاف (۲). درباره‌ی (۶). کشتی‌های اقیانوس پیمان. بن بست. شاخه. درباره‌ی عشق (۴). عشقبازی (۶). عشق (۵). قضاوت. دوشیزه سکینه (۱۰). نام و نام خانوادگی (۳). فرزند (۳). متولدشده است (۳). مادرش. علامت. دم. اسب‌های (۲). مادر. سربه‌هوا. ساعت (۹) رفتار کنم. دوشیزه. شب (۱۰). ابوی (۷). مامان (۵). داشته باشم. امشب (۲). روز (۶). والده. بروی (۳). از پیش (۳). نسل. زمستان (۲). بهار (۴). شناسنامه (۳). دستگاه (۳). آقایارسطو (۲) رسطو (۵). اتفاق. دنیا. اشکبوس (۷). بزرگ. سکینه خانم (۲) همین. مادرش. مادران. در تنهایی. غم و رنج. گوشه. یک (۳). چند سال پیش. درست و حسابی (۳). نبود (۵). تمام (۴). یکی (۲) فکر کردن (۴). زندگی کردن (۲). تیک تاک ساعت (۴). عقیده ندارم. کارش. کار زندگی.. متنفرم. خانه. گل (۲). بگوئیم. پرده‌ها (۲).. سنگین. پسر بچه (۳). تازه وارد. عرق چین زری دوزی شده. حریف. اسمش را بگذاری. دستش را دراز کرد. صبح و گرنه. عاشق. کم‌دی (۳). تراژدی (۳). خواستگاری. فرح انگیز. بهاری. روزها. شاید.</p>	<p>تکرار عین واژه</p>
<p>چرا (۲) او (۱۸) من (۲۹). تو (۵). ما (۲). شما (۲)</p>	<p>تکرار ضمیر</p>
<p>که (۱۷۴). و (۱۹۹). به (۱۱۸). یا (۹). از (۶۱). نه (۶). با (۳۳). اما (۸). چه (۹). برای (۱۲). هم (۵). آن (۲۲). این (۲۷). یک (۱۸)</p>	<p>تکرار حرف ربط</p>
<p>چیز. چه آن</p>	<p>تکرار واژه همگانی</p>
<p>ثابت و تکان نمی‌خورند. سیار و تکان می‌خورند. فتح و پیروزی. تنبان و شلوار. مادر، والده و مامان. ابوی و پدر. من و بنده. خدایامرز و مرحوم</p>	<p>تکرار واژه مترادف</p>



<p>بزنند، یکشند، بپایند- شدن، رفتن، شستن، خوردن- هوا، بلا، حالا- لازمه، ظریفه، ضاله، بیچاره- مردان، کودکان، نوجوانان، خودمان- زیبا روی، شوی، رویاروی.</p>	<p>تکرار موسیقیایی</p>	
<p>نگاه کرد و دید. لبخند و خنده. فکر و خاطر. سیاهی و وحشت. وحشت و فریاد. آن وقت و آن شب. تکان می خورد و می جنبید. منقلب و ناراحت. فکر و گمان. شهاب و چند ستاره که تندتر حرکت می کنند. همیشه در همه حال. شهرستان درجه اول و سرو صدا. آرام و بی حرکت. نرم و راحت. مرگ ناگهانی و خوابش ببرد. حضرت آقا و جنابعالی و یارو. تازه وارد و درست از راه رسیده. خوابیده و مرده. به خواب زدن و به موش مردگی زدن. قد خم می کردو به زانو در می آمد. بچه و وارث. دانه‌های تسبیح و جمع وارثان. ملایمت و آرامی. لب و غنچه. خوانین و گل‌های سر سبد اجتماع. شوهرش و مردکه. دل و جانسان. مبتذلات و کنافات. مرگ و دیار عدم. من و خود. برای چه و چرا. من و مرا. ما و بانوان ایرانی.</p>	<p>هم معنایی</p>	
<p>عمد و سهو. گفتنی و ناگفتنی. فهمید و نفهمید. ثابت و سیار. ثابتند و حرکت می کنند. تکان می خورند و تکان نمی خورند. خشونت و نرمی. سرعت و آرامی. محکم بگیردو فرار نکند. عالم خیال و دنیای واقعی. میکند و نکرده است. شروع و ختم. تراژدی و کمدی. دوست و دشمن. کوچک و بزرگ. خشک و پر آب. زمستان و تابستان. خیلی بزرگ و قوطی کبریتی. پرده هارا جمع کنم و پرده‌ها را پس بزنم. مرئی و نامرئی. موهبت الهی و بلای آسمانی. شب و روز. عشقبازی می کردند و جدا می شدند. موافق و مخالف. شاید و یقین. چموش و سر به هوا و از جنگ برگشته. جدید و قدیم. متحد بودن و جدایی افکندن. به خواب رفتند و بیدار شدن. به دنیا آمدن و وفات یافتن. جداگانه و متحد. فردا و الان. بعد از ظهر و نیمه شب. شب و صبح. روحانی و شیطانی. شکست و فتح</p>	<p>تضاد معنایی</p>	
<p>عشق بازی و قول و قرار. تخت خواب و غلط زدن و این دنده به آن دنده شدن. حجره و دریچه و سقف و اتاق و پنجره. غریق و دست پا زدن و تخته</p>	<p>شمول معنایی</p>	



<p>پاره. عشق و عشق بازی و بوته‌های گل. تخت و فتر. پول و جمع کردن و بخرد. باغچه و گل و گیاه و آبشان بدهم و مواظب باشم. قفسه و کتاب. خانه و اتاق و فرش کردن و قالی و مخده. زمستان و بخاری و پرده‌انداختن و برف. منقل و آتش‌های پشت گلی یا سینه کفتری و خاکستر. قوری آب جوش و استکان چای. بهار و پرده هارا کنار بزنیم و شکوفه‌ها. سنگر و تسلیم و مقمه‌های خالی و دشمن و غنیمت و آب. بوسید و تخته خواب و همبستر. شب و آبگوشت. روز و سیب زمینی و هویج. لباس بشوید و اتو بزنند. تریاک و عرق و رفیقان یک ماهه. خودت و زن و بچه‌ها. چرت و تخت خواب و بلند شد. ساعت شماطه دار و زنگ و تکمه زنگ. صبحانه و نهار و عصرانه. تخت و لحاف و رختخواب. دفتر خاطرات و نوشتن و ورق زدن. ابوی و مامان و دوشیزه سکینه. بیماری و فوت کردن و به خاک سپردن و نمرد و خودکشی. اطفال و کودک و بغل مادر. خیالات شیطانی و هماغوشی با مردان و شوهر کردن. خیالات روحانی و اهل زندگی زناشویی بودن و شکم بردار و لالایی.</p>	
<p>سر سری. شبانه روز. سر و کله. سربه هوا. پخش و پلا. درست و حسابی. قول و قرار. سروصدا. سرو سادگی. تیک تاک. نرم نرمک. حاج و واج. خفت و خواری. جسته و گریخته. چادر و چاقچور.</p>	<p>واژه‌های ترکیبی</p>

جدول شماره دو - بسامد عناصر بدست آمده از داستان کوتاه سنگر و مقمه‌های خالی

تکرار واژه	تکرار ضمیر	تکرار حرف ربط	تکرار واژه همگانی	تکرار واژه مترادف	تکرار موسیقایی	هم معنایی	تضاد معنایی	شمول معنایی	واژه‌های ترکیبی	جمع کل
۳۲۲	۵۸	۷۰۰	۲	۸	۶	۳۳	۳۶	۳۱	۱۵	۱۲۱۱
۲۶/۶۰	۴/۷۹	۵۷/۸۰	۰/۱۶	۰/۶۶	۰/۴۹	۲/۷۲	۲/۹۷	۲/۵۵	۱/۲۳	۹۹/۹۷



نتیجه گیری

آنچه از بررسی این داستان بر اساس انسجام واژگانی بدست آمد به شرح زیر است:

۱- از میان ۱۲۱۱ کلمه بدست آمده بر اساس عناصر انسجام واژگانی در داستان سنگر و قمقمه‌های خالی، تکرار حرف ربط با تعداد ۷۰۰ واژه، ۵۷/۸۰ درصد مهمترین و اساسی ترین عامل انسجام واژگانی در متن به شمار می رود و بعد تکرار عین واژه با تعداد ۳۲۲ واژه، ۲۶/۶۰ درصد در رتبه دوم قرار می گیرد.

۲- دیگر عناصر معنایی به ترتیب از بیشتر به کمترین آمار و درصد به این شرح است: تکرار ضمیر با تعداد ۵۸ ضمیر ۴/۷۹ درصد، شمول معنایی با تعداد ۳۱ گروه شامل و مضمولی ۲/۵۵ درصد، تضاد معنایی با ۳۶ جفت کلمه ۲/۹۷ درصد، هم معنایی با تعداد ۳۳ جفت کلمه ۲/۷۲ درصد، تکرار موسیقایی با تعداد ۶ کلمه ۰/۱۶ درصد، واژه‌های ترکیبی با تعداد ۱۵ ترکیب ۱/۲۳ درصد، تکرار واژه مترادف با تعداد ۸ جفت کلمه ۰/۶۶ درصد و در نهایت تکرار واژه همگانی با تعداد ۲ جفت واژه ۰/۱۶ درصد.

۳- با توجه به آمار و درصدهای به دست آمده از این داستان که به شکل روایی است می توان به ذهن و نوع نگرش فرد نویسنده از خلال داستانش پی برد. البته خواننده با یکبار خواندن این داستان امکان دارد تا به موضوع و هدف نویسنده پی نبرد، بنابر این لازم است دوباره خواننده شود تا به درک درست تری از داستان برسد.

۴- به دلیل نوع نگارش و سبک نویسنده داستان، درنگاه اول نوعی بهم ریختی و از یک شاخه به آن شاخه پریدن مشاهده می شود. از این رهگذر مشخص می شود چرا فراوانی عددهای بدست آمده از تکرار حرف ربط زیاد است. چون این حروف متن‌ها و جمله‌های پریشان و در نهایت هر سه بعد شخصیت داستان را به هم وصل می کند و در نهایت باعث انسجام داستان و درک خواننده از موضوع می شود.

۵- در نتیجه با بررسی این اثر، به صورت نسبی می توان دانست داستانهایی که به این شیوه نگارش می شوند از نظر انسجام واژگانی قابل شناخت خواهند بود. در واقع می توان با بررسی یک متن با این روش پی برد داستانی که مطالعه خواهد شد از چه سبک ادبی خواهد بود.



منابع و مآخذ

- امیری خراسانی احمد و غنی نژاد حلیمه، (۱۳۹۴)، «بررسی عناصر انسجام متن در نفثه المصدور بر اساس نظریه هالیدی و حسن». متن پژوهی ادبی. شماره ۶۳. بهار. صفحه ۷-۳۲.
- آل طیب، ندا، (۱۳۹۶)، اندر حکایت پسر کوچک خرده فروش اصفهانی. ۱۸دی. روزنامه اعتماد. www.etemadnewspaper.ir.
- ایشانی، طاهره، (۱۳۹۴)، «مقایسه کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده». فصلنامه پژوهش های قرآنی. سال بیستم. شماره ۱. بهار ۱۳۹۴. صفحه ۱۴۵-۱۲۰.
- پروینی، خلیل ونظری، علیرضا، (۱۳۹۴)، «زبان شناسی متن و انطباق الگوی انسجام با زبان عربی در دیدگاه صاحب نظران معاصر عرب». دو ماهنامه جستارهای زبانی. شماره ۲۵. دیماه. ۱۲۳-۱۴۶.
- پورنامداریان، تقی وایشانی، طاهره، (۱۳۸۹)، «تحلیل انسجام و پیوستگی در غزلی از حافظ با رویکرد زبان شناسی نقش گرا». نشریه زبان و ادبیات فارسی. شماره ۶۷. صفحه ۷-۴۳.
- جمشیدی، اردشیر، (بی تا)، فعالیت های بخوانیم در کتاب فارسی چهارم و پنجم دبستان. www.adabiyat46.blogfa.com.
- دهقانی، ناهید، (۱۳۸۸)، «بررسی عناصر ایجاد انسجام متن در کشف المحجوب هجویری». نشریه آینه میراث. خردادماه. ص ۱۱۹-۱۰۰.
- سلطانی، سید علی اصغر، (۱۳۹۶)، نگارش دانشگاهی، پاراگراف نویسی ج ۱ و ۲. ص ۱۵۶-۱۶۱.
- طارمی، کورشورحمانی، اشرف، (۱۳۷۶)، «بکارگیری روابط واژگانی در سبک شناسی و کاربرد آن در شعر نیمایی». صفحه ۶۹۰-۷۲۳.
- عباسی، محمود و اویسی، حسن و کهف، عبدالعلی و ثواب، فاطمه، (۱۳۹۵)، «انسجام واژگانی در داستان سوررنالیستی بوف کوربر پایه نظر هلیدی و حسن». پاییز ۱۳۹۵. ص ۲۸۳-۳۰۸.
- قربانپور، ابراهیم، (۱۳۹۵)، هفته نامه چلچراغ. ۲۱ آذر. کد متن ۴۳۹۶۰۲. سایت www.bartarinha.ir.



- قیصرپور، امیر، (۱۳۹۱)، «ابزارهای انسجام واژگانی در کتاب تنگسیر نوشته صادق چوبک بر پایه نظریه هالیدی و حسن». پایان نامه کارشناسی ارشد در زبان شناسی همگانی.
- کشاورز، حبیب، (۱۳۹۶)، انسجام متنی چیست؟. سایت ویراستاران. www.virastaran.ir. /۲۳۶۲۰/
- کمائی فرد، سعید و جابری، مریم، (۱۳۹۱)، «انسجام متن تعاریف در کتابهای دانشگاهی». مقاله پژوهشی. مجله پژوهش و نگارش کتاب دانشگاهی. دوره ۱۶. شماره ۲۶. زمستان. ص ۲۵-۴۵.
- گلشیری، سیاوش، (۱۳۹۱)، یادداشت به بهانه سالروز تولد بهرام صادقی. ۱۸ دی. خبرگزاری ایمن/ www.imna.ir /۸۵۶۷۳
- مسوق، مهدی و دلشاد، شهرام، (۱۳۹۵)، «بررسی عناصر انسجام متن در داستان حضرت موسی با رویکرد زیان‌شناسی نقش گرا». فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی. سال چهارم. شماره اول. بهار. صفحه ۱۶۹-۱۱۴.
- معین‌الدینی، فاطمه، «شگردهای ایجاد انسجام متن در کلیله و دمنه». نشریه فرهنگ ویژه زبان و ادبیات فارسی. شماره ۴۶. پاییز. صفحه ۳۲۳-۳۰۳.
- یآوری، فاطمه و وفایی، عباسعلی و فرخزاد، ملک محمد و طاهر، رحیم، (۱۳۹۷)، «انسجام واژگانی و دستوری با رویکردواژه‌های مکرر در دیوان منوچهری». فصلنامه علوم ادبی. شماره ۱۲. بهار و تابستان. صفحه ۱۹۲-۱۶۳.